

نقش امنیت ملی و قدرت نظامی، در طرح ریزی راهبردی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی

نویسنده: حمید خسروی^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال پانزدهم، شماره ۴۵، تابستان ۱۳۹۷

چکیده

جهان، دائماً در حال تغییر و تحولات سریع است. مهمترین دغدغه سیاست گذاران و اداره کنندگان کشورها، صمیم گیری درباره مسائل دفاعی و امنیتی است. طرح ریزی و برنامه ریزی، نقش کلیدی در موفقیت در میدان رقابت دارد. برنامه ریزی، به درستی تدوین شود، منجر به انتخاب استراتژی‌هایی می شود که در صورت اجرای صحیح و به موقع، موجب تعالی و پیشتازی سازمان شود. برقراری امنیت، حفظ منافع ملی و دفاع همه جانبه، تنها با تقویت مؤلفه های قدرت ملی، علی الخصوص قدرت نظامی، تأمین می شود. این امر، محقق نمی گردد، مگر در سایه طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی دقیق و هوشمندانه که از شناخت دقیق محیط ملی و محیط بین المللی، حاصل شده باشد. این پژوهش، بر آن است که با بهره گیری از کتب و متون موجود، گامی فرآیند طرح ریزی، نامه ریزی و بودجه بندی نظامی را احصا نموده و به نقش قدرت نظامی و امنیت ملی در این فرآیند بپردازد.

واژگان کلیدی:

قدرت ملی، قدرت نظامی، امنیت ملی، محیط شناسی، طرح ریزی، برنامه ریزی نظامی.

۱. مقدمه

اسلام، به آمادگی دفاعی و نظامی مسلمانان، برای حفاظت از امت اسلامی، تأکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً» (نساء، ۷۱)؛ ای اهل ایمان! سلاح جنگ بر گیرید و آنگاه دسته دسته یا همه به یک باره، متفق برای جهاد، بیرون روید.

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های نظام سیاسی کشورها در عرصه تعاملات بین‌المللی، مسأله محیط امن و مطلوب‌ترین شرایط تأمین ثبات امنیتی است. یک نظام سیاسی، هیچ‌گاه در حالت مجرد قرار ندارد و زندگی جمعی، در محیطی که مهمترین خصیصه‌اش، هرج و مرج‌گونه‌گی آن است، باعث می‌شود تا تأمین امنیت، به عنوان مهمترین دغدغه سیاسی درآید. این، در حالی است که اقدامات دولت‌ها برای تأمین امنیت خود، موجب شکل‌گیری تهدید و چالش برای دیگر بازیگران نظام بین‌الملل می‌شود که به دلیل تفاوت در نوع برداشت آنان از مقوله منافع و اهداف ملی، امری طبیعی است. اولین اقدامی که برای تأمین امنیت صورت می‌گیرد، دفاع است.

محیطی که کشورمان در آن قرار دارد، محیطی بحرانی و بی‌ثبات است که امنیت ملی ما را به شیوه گوناگونی تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. در یک چنین محیطی، باید به دنبال تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها بود و به توانایی کنترل محیط‌های تهدیدزا یا ناامن دست پیدا کرد؛ زیرا در غیر این صورت، هر فرصتی می‌تواند تهدید و هر تهدیدی، به یک خطر جدی تبدیل شود. یک نظام سیاسی، باید همواره نسبت به تهدیدات پیرامون خود، ادراک لازم را داشته و عامل تهدید را مورد شناسایی قرار دهد. قدرت نظامی، یکی از مؤثرترین و مهمترین راه در تأمین امنیت ملی و حفظ کشور از تهدیدهای فرارو، به شمار می‌آید. در واقع قدرت نظامی، همواره در پشتیبانی از سیاست خارجی و تحقق اهداف ملی و حفظ منافع ملی، به کار گرفته می‌شود. تحقق این مهم، مستلزم اتخاذ تدابیری راهبردی در بخش نظامی و تعیین ساختارهای نیرویی و ترکیبات رزمی است که بایستی بر اساس طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی نظامی که با شناخت دقیق از محیط ملی و بین‌المللی به دست آید، تحقق پذیرد.

این پژوهش، بر آن است که با بهره‌گیری از کتب و متون موجود، به نقش قدرت نظامی و امنیت ملی، در طرح-ریزی، برنامه‌ریزی و بود نندی نظامی بپردازد.

۲. بیان مسأله

آرمان ای عدالت جویانه و افق روشن پیشروی نظام جمهوری اسلامی ایران، همواره عاملی بوده است که نظام استکبار جهانی، احساس خطری نسبت به منافع خود داشته

است. احساس خطر از این موضوع که موفقیت نظام جمهوری اسلامی ایران، در دستیابی به اهداف والايش می تواند الگو و سرلوحه ای برای دیگر ملل باشد. این عامل، سبب شده که همواره کشورهای غربی در ستیزه با ملت ایران باشند. در این میان، از بدو حیات نظام جمهوری اسلامی ایران، نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، توطئه ها و نقشه های مختلفی را علیه ملت انقلابی ایران، به کار بسته است. استفاده از ابزارهایی همچون جنگ، تهاجم فرهنگی، تحریم و اعمال خرابکارانه از جمله فعالیت هایی بوده است که در دستور کار آمریکا و پیمانانش بر علیه ملت ایران بوده است. بهره مندی جمهوری اسلامی ایران، از مؤلفه های قدرت ملی، به خصوص تقویت بخش نظامی، موجب گردیده به رغم تلاش بی وقفه دشمنان، به علت آگاهی و هوشمندی ملت ایران، موفقیت چشم گیری نصیب آنان نشده است.

در مجموع، می توان بیان داشت که هدف، مأموریت و علت وجودی بخش دفاع در جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی، ابتکار عمل، پاسخگویی مؤثر، تأمین امنیت و ایجاد احساس امنیت در جامعه است (دری نوگورانی، ۱۳۹۰: ۲). برخورداری از قدرت نظامی، می تواند تا حدود بسیار زیادی، امنیت ملی را تأمین نماید که تحقق آن، وابسته به هوشمندی در طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی است. پویش مداوم محیط و شناخت دقیق از محیط ملی و محیط بین المللی در طول فرآیند طرح ریزی، طراحان و برنامه ریزان بخش نظامی را در اتخاذ تصمیمات متناسب، با توجه به توانمندی ها و ضعف های داخلی و فرصت ها و تهدیدات محیط بین الملل، یاری می نماید.

۳. سوالات تحقیق

۳-۱. سؤال اصلی

نقش امنیت ملی و قدرت نظامی در طرح ریزی راهبردی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی چیست؟

۳-۲. سوالات فرعی

الف) گام های فرآیند طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی کدامند؟
ب) آیا قدرت ملی و امنیت، در طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی، تأثیر گذار است؟

۴. اهمیت تحقیق

کشورها، همواره در برابر تهدیدهای متنوع و مختلفی، اعم از داخلی و خارجی یا زیست محیطی، قرار دارند و در عرصه تعاملات سیاسی و روابط بین المللی، منافع ملی خود را که محصور اصلی سیاست گذاری و تنظیم روابط خارجی آن هاست، همواره در تعارض و تقابل با منافع دیگر بازیگران بین المللی و در معرض تهدید و مخاطره می بینند؛ لذا به

منظور حفظ و استمرار این منافع، به خصوص منافع امنیت ملی، حکومت‌ها در اداره امور دولتی، درباره مسائل دفاعی و امنیتی خود، ناچار به طرح‌ریزی و اجرای راهبردهایی در جهت تقویت قدرت نظامی خود، برای حفظ منافع ملی و دفاع همه‌جانبه از کشور خود می‌باشند.

۵. ضرورت تحقیق

نداشتن طرح و برنامه دقیق، موجب آسیب‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی به جامعه می‌گردد که به سادگی، قابل جبران نیست. وقتی کشوری، نقشه راه نداشته باشد، نمی‌داند که به کدام سو باید حرکت کند. بنابراین، از تبعات نداشتن برنامه، سردرگمی، شناختن منابع و امکانات و گم کردن هدف‌هاست و بدون برنامه، نمی‌توان نیازهای حقیقی و واقعی جامعه را شناخت و اولویت‌ها را مشخص کرد و اینکه جامعه باید چه کارهایی را در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، انجام دهد.

۶. روش تحقیق

نوع تحقیق، کاربردی و روش کلی تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. ضمن اینکه در گردآوری اطلاعات، از روش مطالعه کتابخانه‌ای، استفاده شده است. بدین ترتیب، در مطالعه کتابخانه‌ای، با مراجعه به کتب، مجلات، همچنین مراجعه به سایت‌های اینترنتی مرتبط با موضوع، اطلاعات مورد نیاز، گردآوری شد.

۷. قدرت، قدرت ملی و قدرت نظامی

در متون مقدس، «قدرت» از صفات خداوند یکتاست و تنها اوست که قادر مطلق (قدیر) است و بالاتر از قدرت او، قدر نیست: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره، ۱۴۸). قدرت، عبارتست از: «توانایی نفوذ و تأثیر در راه و روش دیگران، به وجهی که مطابق مقاصد صاحب قدرت، عمل کند» (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۱۴۸).

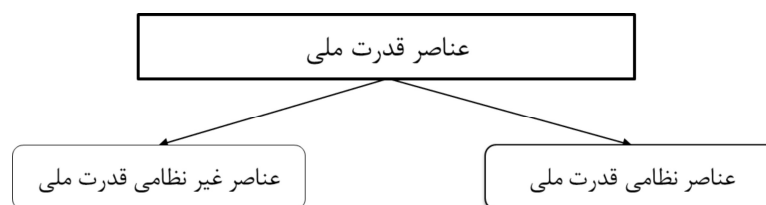
قدرت، عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می‌سازد تا رفتار بازیگران دیگر را در راستای منافع و اولویت‌های مورد نظرش، تحت نفوذ قرار دهد. بر این اساس، بازیگران می‌توانند حکومت‌ها، ملت‌ها، کشورها و سایر گروه‌ها را در جهت انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از انجام آن، تحت نفوذ قرار دهند. «قدرت یعنی استعداد اعمال اراده خود در درون روابط اجتماعی معین، حتی به رغم مخالفت مستقل از مبنای استعداد» (بور تسکی، ۱۳۶۰: ۲۱).

مارکس وبر، در تعریف قدرت می‌گوید: «قدرت یعنی استعداد اعمال اراده خود در درون روابط اجتماعی معین، برتراند راسل می‌نویسد: «قدرت را می‌توان به معنای پدید آوردن آثار مطلوب، تعریف کرد؛ به این ترتیب، قدرت، مفهومی است کمی» (راسل، ۱۳۶۷: ۵۵).

با توجه به تعاریف فوق، «قدرت، عبارت است از هرگونه نیرو و توان فردی یا جمعی که از طریق اعمال اراده در درون رابطه دو جانبه، به صورت تسلط و کنترل بر رفتار و اعمال افراد یا گروه‌های دیگر با طبیعت و نفس و با هدف ایجاد نتایج و آثار مطلوب یا مورد نظر، متجلی می‌گردد».

ابعاد قدرت در نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران، عبارتند از:

۱. قدرت سخت: تجهیزات و امکانات دفاعی و امنیتی.
 ۲. قدرت نیمه سخت: توانایی اطلاعاتی و امنیتی در پیشگیری و مقابله با تهدیدات علیه امنیت کشور، بدون به-کارگیری قدرت سخت.
 ۳. قدرت نرم: ایمان، قدرت اقناع، اثرگذاری و جذب، همبستگی و هویت ملی.
 ۴. قدرت هوشمند: توانایی استفاده از قدرت سخت، نیمه سخت و نرم متناسب با زمان، مکان و موضوع و نوع تهدید در تولید و برقراری.
- قدرت ملی یک کشور، عبارت است از: مجموع توانایی‌های آن کشور، در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها، برای نیل به منافع ملی خود (تهامی، ۱۳۸۴: ۴۱).
- قدرت ملی، از مهمترین و اساسی ترین وسایل حفظ موجودیت و تأمین اهداف و منافع ملی کشورها، تلقی می-شود. در علم سیاست، منابع قدرت دولت، به دو دسته منابع محسوس و منابع نامحسوس، دسته بندی می شوند که مهمترین منابع محسوس دولت، عبارتند از: ۱. جغرافیا، ۲. وسعت سرزمین، ۳. منابع ملی، ۴. توان اقتصادی، ۵. توان نظامی، ۶. جمعیت و ۷. فناوری.
- در موضوع قدرت نظامی، عناصر قدرت ملی را به دو دسته تقسیم می کنیم: الف) عناصر نظامی قدرت ملی، ب) غیر نظامی قدرت ملی.



نمودار شماره ۱- عناصر قدرت ملی

عناصر نظامی قدرت ملی، شامل: اهداف نظامی، دکترین‌های نظامی، استراتژی‌ها و سیاست‌های نظامی (دفاعی، غیر دفاعی)، نیروها و کم و کیف آن‌ها، آموزش، فرماندهی، فنون و تکنولوژی نظامی، تسلیحات و تجهیزات، سازمان نظامی، بودجه نظامی، پایگاه‌های نظامی، تحرک نیروها و امکانات لجستیک می‌باشد و عناصر غیر نظامی قدرت ملی را نیز شامل پنج گروه ذیل می‌دانیم که عبارتند از: ۱. عناصر طبیعی قدرت ملی، ۲. عناصر

انسانی - اجتماعی، ۳. عناصر فرهنگی، ۴. عناصر سیاسی و ۵. عناصر اقتصادی. منظور از قدرت نظامی، یعنی نیرویی با قابلیت وارد آوردن خسارات به دشمن، برای مرعوب نمودن وی (میر فخرایی، ۱۳۸۲: ۱۸).

قدرت نظامی، قدرت تمام نیروهای مسلح یک کشور همراه با عوامل دیگر قدرت ملی، مانند قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و روانی است. قدرت نظامی تا حدود زیادی، متکی بر منابع طبیعی، مقدورات صنعتی و جمعیت کشور می‌باشد. چون قدرت نظامی، از قدرت سیاسی و اقتصادی و روانی ملت، سرچشمه می‌گیرد تا حدود زیادی، تحت تأثیر کیفیت و تعداد اتحادیه‌های سیاسی و اوضاع اقتصادی و روانی قرار دارد (رستمی، ۱۳۸۶: ۶۲۸). به عقیده دبلو گاتریج: «قدرت نظامی، آن نمادی از حیثیت ملی است که هیچ کشوری، در صورتی که برای حیثیت خود احترام قائل باشد، نمی‌توان بدون آن به سر برد، ارتش به همراه پرچم، سرود ملی و سایر نمادها و در پاره‌ای از موارد به همراه هواپیمایی و خطوط کشتیرانی به منزله سمبل استقلال و پیشرفت یک کشور محسوب می‌شود» (سنجابی، ۱۳۵۷: ۴۲۱).

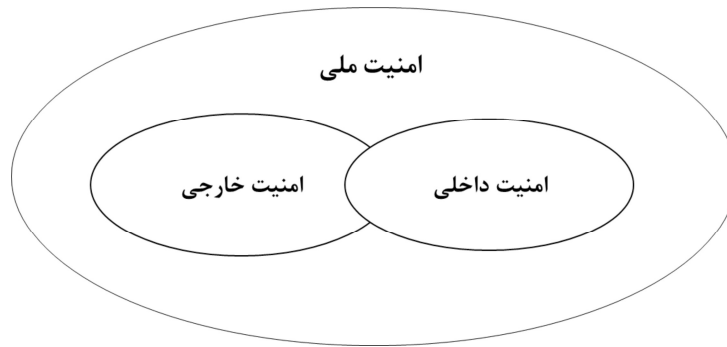
۸. امنیت و امنیت ملی

امنیت در فرهنگ فارسی، به معنی آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است. امنیت، از کلمه «امن» می‌آید که واژه‌های آرامش یافتن، بیمناک نبودن و نترسیدن را متبلور می‌سازد و در مفهوم مصدری، از «الامن» به عنوان دستیابی به اطمینان و آرامش پس از رهایی از ترس، نام برده می‌شود. در فرهنگ عمید، امنیت به معنای ایمن شدن، «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است (عمید، ۱۳۷۱: ۴۵).

جوهره «امنیت ملی»، «امنیت» است؛ اگر در تعاریف فوق، دقت شود، می‌توان چنین برداشت نمود که نقطه مشترک در تمام تعاریف مربوط به امنیت، روی ضرورت «حفظ وجود خود»، متمرکز می‌باشد. برخی صاحب‌نظران، خود یا صیانت ذات و نفس را در چهار پدیده زیر، خلاصه می‌نمایند:

۱. حفظ جان مردم.
۲. حفظ تمامیت ارضی.
۳. حفظ نظام اقتصادی و سیاسی.
۴. حفظ استقلال و حاکمیت کشور.

این چهار مقوله، به عنوان جوهره «امنیت ملی» این خصوصیت را دارند که تمام کشورها، افراد، گروه‌ها و احزاب، بدون توجه به گزینش‌ها، سلیقه‌ها و اختلافات فردی، گروهی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی، روی آن‌ها اتفاق نظر دارند (جمشیدیان، ۱۳۹۴).



شکل شماره ۱- جوهره امنیت ملی

۹. رابطه قدرت نظامی و امنیت ملی

فرماندهی معظم کل قوا، در همین رابطه می‌فرمایند: «یک ملت اگر بخواهد سرافراز بماند، باید قدرتمند باشد، این قدرت، در شکل نظامی آن، به وسیله نیروهای مسلح انجام می‌گیرد. نیروهای مسلح، حصار مستحکم یک ملت‌اند.»

در مباحث سیاسی و همچنین در عمل، مفهوم امنیت از مفهوم قدرت جدایی‌ناپذیر است. در طول تاریخ، مسأله قدرت ملل، همیشه از طریق جنگ‌ها، مورد آزمون قرار گرفته است. در مکتب اسلام، توسل به جنگ و اعمال قدرت، فقط برای دفاع از جان، مال، ناموس، مسکن، آزادی، استقلال و مرام سایر افراد ملت، جایز است و اقدام به آن، چه در حالت تدافعی و یا در وضعیت آزادی‌بخش، منوط به مفروض بودن تجاوز و هجوم و یا قصد به تهاجم و اقدام خصمانه از سوی دشمن است؛ ضمن اینکه مسأله جهاد و آمادگی برای آن، یکی از وظایف و شئون اصلی امامت است و انجام آن، منوط به اجازه امام است. با ملاحظه این اصل است که اسلام، غیر از جهاد، اقسام دیگر جنگ‌ها را منسوخ کرده و فقط جنگی را مشروع و صحیح دانسته که در راه خدا و به منظور رفع تعدی و تجاوز و تخطی باشد (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۲۳-۱۲۴).

رابطه امنیت و قدرت، یک رابطه تعاملی و دوطرفه است. امنیت، بدون میزان مشخصی از قدرت، امکان‌ناپذیر است و برقراری امنیت، خود، ایجاد قدرت می‌نماید. بین قدرت و امنیت، قائل به نوعی رابطه دائمی و منطقی هستند. در سنن و دیدگاه گذشته، عادت بر این بوده است که امنیت مملکت را معادل و مساوی با قدرت و امنیت نظامی دانسته و اعمال قدرت نظامی، یعنی توسل به جنگ به جهت حفظ امنیت و کسب منافع ملی، یکی از روش‌های معمول در روابط بین‌الملل، از بدو تاریخ سیستم کشوری بوده است. ولی این بدین معنی نیست که امنیت، فقط از طریق اسلحه، تکنولوژی جنگی و دکترین‌های نظامی به دست می‌آید، بلکه جنگ و توسل به قدرت نظامی، آخرین راه حل می‌باشد. امروزه، حفظ امنیت ملی هر واحد سیاسی، از راه افزایش قدرت ملی و ایجاد توازن در

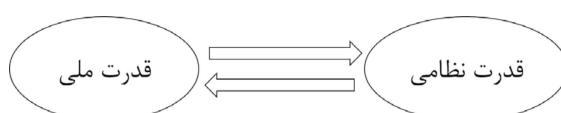
عوامل تشکیل دهنده آن، میسر بوده و افزایش یکی از این عوامل، اگر متناسب با افزایش عوامل دیگر نباشد، می تواند موجب ایجاد تهدید، برای امنیت ملی گردد. نهایتاً آنکه تعامل دو سویه ای بین دو مفهوم قدرت و امنیت، برقرار است. قدرت بیشتر، باعث دستیابی به امنیت بالاتر و استقرار امنیت، زمینه بسط قدرت بیشتر است. هر چند در بررسی این رابطه تعاملی، باید به نسبی بودن آن نیز توجه داشت.



نمودار شماره ۲- تعامل دو سویه بین دو مفهوم قدرت و امنیت، در راستای تحصیل منافع ملی

بارزترین و دقیق ترین عناصر تعیین کننده و با اهمیت در قدرت ملی یک کشور، عناصر نظامی می باشند. با ارزیابی و تجزیه و تحلیل این عناصر، میزان آمادگی نظامی کشور مشخص می گردد. به علاوه، در بررسی این عناصر باید به پدیده هایی چون بودجه و هزینه نظامی و دفاعی، تدارکات و پشتیبانی، رویه ملی و توجه داشت. معمولاً در تعیین استراتژی ها و دکترین های نظامی فاکتورهای چهارگانه «پیرو و آموزش»، «سلیحات و تجهیزات»، «سازمان و مدیریت نظامی» و «موقعیت استراتژیک کشور» را مورد توجه قرار می دهند.

آنچه مسلم است قدرت نظامی هر کشور اهمیت ویژه ای دارد و سرافرازی هر ملت بستگی زیادی به آن دارد.



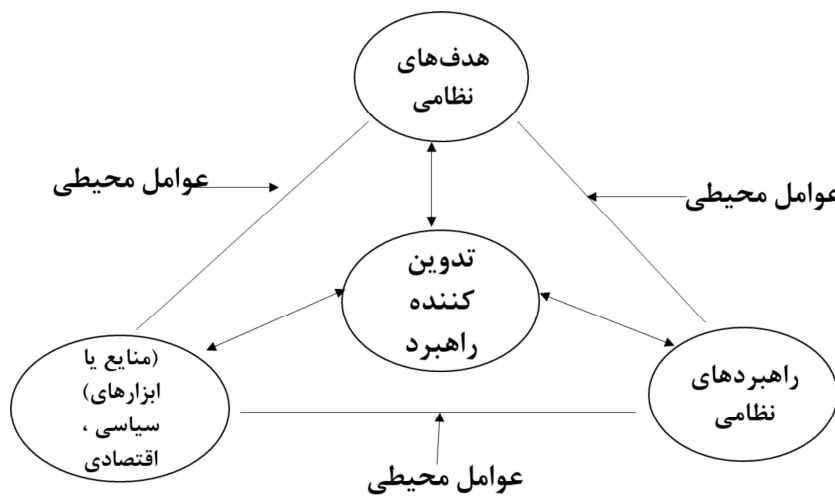
نمودار شماره ۳- رابطه قدرت نظامی و قدرت ملی

۱۰. نظام طرح ریزی و برنامه ریزی

نظام طرح ریزی و برنامه ریزی نیروهای مسلح، جزئی از نظام سیاست گذاری و طرح ریزی استراتژیک کشور است که در آن، تمام اجزای کشور، دخیل می باشند و لذا نظام طرح ریزی در نیروهای مسلح، می تواند مستقل از سیاست گذاری و نظام طرح ریزی و برنامه ریزی کشور، در نظر گرفته شود.

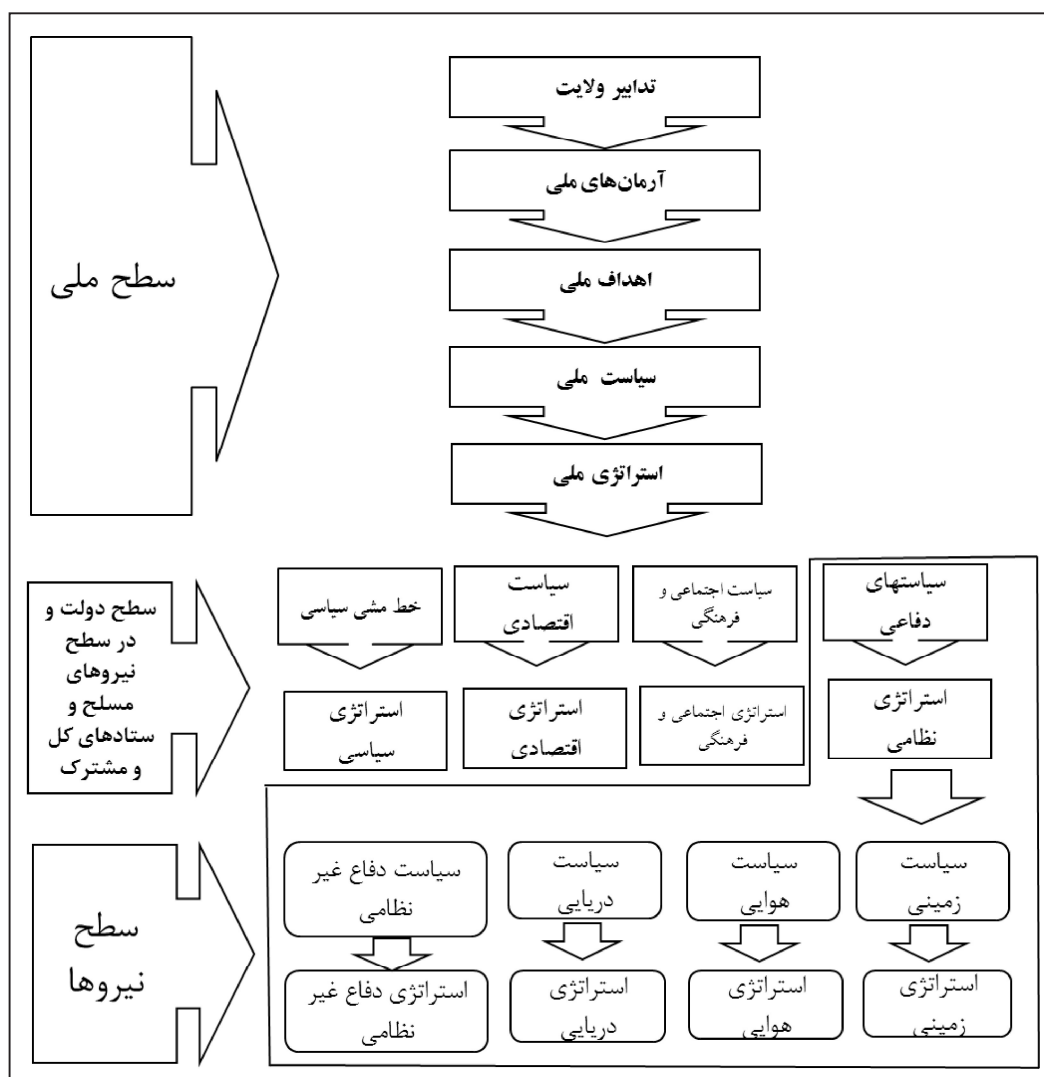
همان طور که در نمودار زیر مشاهده می شود، منظور از طرح ریزی راهبردی نظامی، به طور کلی ایجاد ارتباط عقلایی بین منابع و ابزارها (منابع انسانی، مالی، لجستیکی و

سازمانی) با راهکارها و اهداف سازمان با توجه به شرایط و عوامل محیطی است. اگرچه طرح‌های راهبردی نظامی امنیتی، به‌طور کلی برای حفاظت و پدافند از کشور، در مقابل تجاوز احتمالی دشمن یا دشمنان خارجی و خنثی نمودن تهدیدات داخلی، تهیه و تدوین شوند، لیکن در این گونه طرح‌ها نیز طراحان نظامی می‌بایست همواره تلاش نمایند تا یک ارتباط علمی و عقلایی، بین منابع و ابزارها با اهداف و راهکارها، برقرار و حفظ شود. در واقع، «نظام طرح‌ریزی راهبردی نظامی، شیوه‌ای است عقلایی برای ارتباط اصولی و پیوسته، میان منابع (ابزار) و محیط امنیتی با هدف‌های امنیت ملی». (چگینی، ۱۳۸۴: ۱۵)



نمودار شماره ۴- طرح‌ریزی راهبردی (چگینی، ۱۳۸۴: ۱۵)

بخش عمده‌ای از مبانی طرح‌ریزی، در سطح ملی و دو شکل می‌گیرد و ترسیم سیاست‌ها و استراتژی داعی می‌بایست بر مبنای تدابیر ولایت، آرمان‌ها، اهداف، سیاست‌های ملی و استراتژی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی، صورت پذیرد و مقدم بر همه این‌ها، سیاست‌ها و استراتژی ملی می‌باشد. در ترسیم سیاست‌ها و استراتژی ملی نیز تدابیر مقام عظمای ولایت، آرمان‌ها، منافع و اهداف ملی، باید مد نظر قرار گیرد. ارتباطات و تعاملات در ترسیم سیاست و تدوین استراتژی در سه سطح ملی، دولت و نیروهای مسلح، در نمودار زیر ترسیم گردیده است (S-COL: 4):



نمودار شماره ۵- روند تهیه استراتژی‌های ملی و نظامی

۱۱. گام‌های فرآیند طرح‌ریزی راهبردی نظامی

طرح‌ریزی راهبردی نظامی، طی فرآیند زیر از سوی شورای تدوین راهبرد نظامی که معمولاً با شرکت عناصر ذی-ربط، در ستاد کل نیروهای مسلح، انجام می‌پذیرد:

۱-۱۱. گام اول - بیان مجدد مأموریت نیروهای مسلح و تعیین اهداف کلی نظامی
در این گام، مأموریتی که برای نیروهای مسلح در جهت خنثی نمودن تهدید و تحقق اهداف امنیت ملی، تعیین گردیده است، با دقت موشکافی و بیان مجدد آن، نسبت به تعیین اهداف کلی نظامی، اقدام می‌گردد.

۲-۱۱. گام دوم - تعیین اهمیت نسبی اهداف و اولویت بندی آن‌ها
تعیین اهمیت نسبی اهداف نظامی و اولویت‌های آن‌ها، متناسب با منابعی که در اختیار نیروهای مسلح قرار خواهد گرفت، ضرورت دارد (توحیدی، ۱۳۸۹: ۷۳).

۱۱-۳. گام سوم- ارزیابی تهدید به منظور تشخیص قابلیت‌ها، نیت و آسیب‌پذیری های دشمن

شناخت تهدید یعنی تشخیص قابلیت‌ها، نیت و آسیب‌پذیری های دشمن بالقوه و یا بالفعل. این گام طرح ریزی راهبردی نظامی، با تهیه برآورد اطلاعات راهبردی، انجام می‌شود.

۱۱-۴. گام چهارم- تعیین سیاست‌های کلی نظامی

سیاست‌های کلی نظامی از رهنمودهای مقام معظم رهبری، به علاوه ارزش‌های حاکم، به علاوه دکترین امنیت ملی سیاست‌های امنیت ملی و است‌های بخش دفاعی، به دست می‌آید.

۱۱-۵. گام پنجم- انتخاب تدابیر راهبردی و تنظیم راهبرد نظامی

تدابیر راهبردی نظامی در واقع، حدس آگاهانه و داوری درباره چگونگی نیل به اهداف نظامی یا نحوه رویارویی با قابلیت‌ها و تهدیدات نظامی است. انجام کار حساس و مهم و خطیری، مستلزم ارزیابی و جش قابلیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های خودی و شناخت فرصت‌ها و فشارهای محیطی می‌باشد (همان: ۷۴).

تدابیر راهبردی نظامی را می‌توان چگونگی به کارگیری و استفاده از قدرت نظامی، برای نیل به اهداف امنیت ملی (دفاعی- امنیتی) نیز بیان نموده‌اند؛ زیرا دستیابی به اهداف کلی نظامی، می‌تواند اهمیت امنیت ملی را محقق سازد.

۱۱-۶. گام ششم- تعیین و گزینش ساختار و ترکیب رزمی (ترکیب نیرو)

پس از اینکه تدابیر راهبردی لازم، برای تحقق اهداف و یا رویارویی با تهدیدات احتمالی دشمن، اتخاذ گردید، لازم است سازمان رزمی مورد نیاز، پیش‌بینی و محاسبه گردد و برای اجرایی شدن هر یک از تدابیر راهبردی نظامی و مقابله با قابلیت‌های دشمن، ساختار رزمی، مشخص گردد.

۱۱-۷. گام هفتم- تهیه و تنظیم فهرست نیرویی

پس از تعیین و گزینش ساختار یا سازمان رزمی، نیاز است بر اساس ترکیبات رزمی انتخاب شده، فهرستی از یگان‌ها یا عناصر رزمی تهیه شود. این فهرست، باید حاوی یگان‌های رزمی موجود، یگان‌های رزمی جدید، یگان‌های رزمی که باید تکمیل و توسعه یابند و یگان‌های موجودی که باید منحل شوند با تعیین محل استقرار فعلی و آتی آنها باشد (همان: ۷۶).

۱۱-۸. گام هشتم- تهیه طرح توسعه نیروها (انتخاب سیستم‌های جنگ افزار و تجهیزات نظامی عمده مورد نیاز):

در این گام، با توجه به فهرست تهیه شده در گام قبل، برنامه زمانی برای ایجاد

یگان‌های رزمی جدید و توسعه و تکمیل یگان‌های رزمی موجود برای یک دوره ۵ تا ۱۰ ساله، تهیه و تنظیم می‌گردد.

۱۱-۹. گام نهم - تعیین مأموریت نیروها

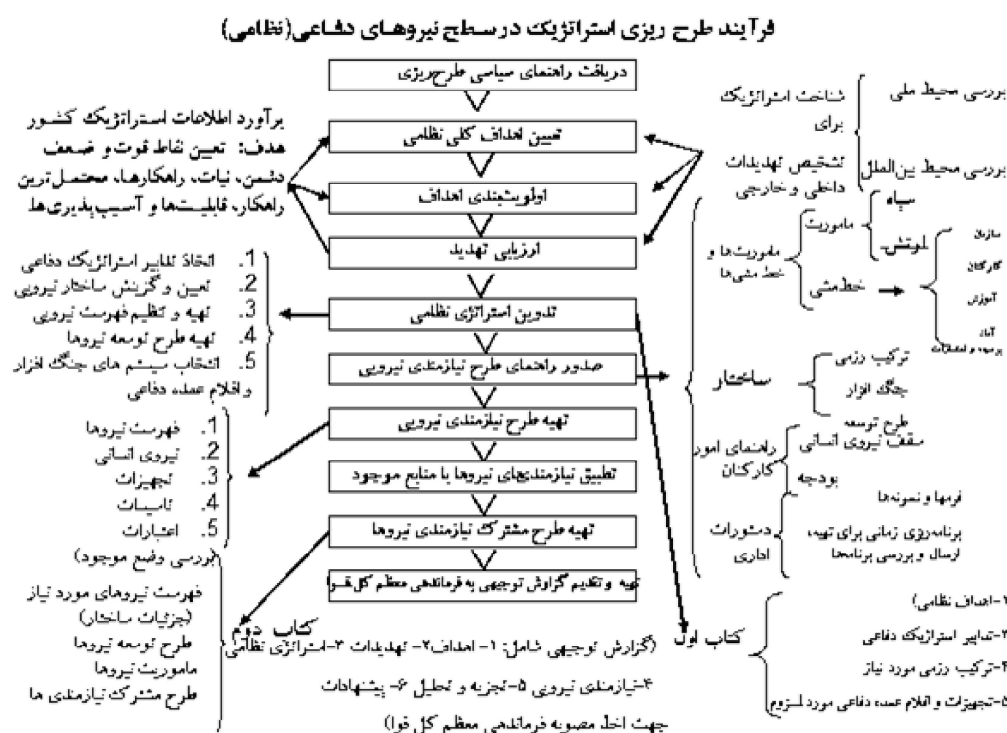
نیروهای مسلح، بر اساس رسالتی که برای آن‌ها تعریف شده، هر یک دارای مأموریت ذاتی هستند، لیکن در فرآیند طرح‌ریزی راهبردی نظامی پس از تدوین اهداف کلی نظامی، سیاست‌ها و راهبردهای نیروهای مسلح برای هر یک از نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و ...، در جهت تحقق اهداف کلی نظامی و رویای قابلیت‌های دشمن و خنثی نمودن تهدیدات وی، مأموریتی خاص، تعیین و به آن‌ها ابلاغ می‌گردد.

۱۱-۱۰. گام دهم - تهیه طرح مشترک نیازمندی نیرویی

نیازهای نظامی، به مجموعه منابعی اطلاق می‌گردند که برای نیل به اهداف یا انجام مأموریت‌های نظامی، مورد نیاز می‌باشند.

۱۱-۱۱. گام یازدهم - تنظیم طرح مشترک هدف‌های راهبردی نظامی

این طرح، مهمترین سندی است که ستاد کل فرماندهی کل نیروهای مسلح، نظرات مشورتی و پیشنهادهای خود را در مورد تدابیر راهبردی دفاعی، ساختار نیروها و سطح نیروهای مورد نیاز، در میان مدت (۵ تا ۱۰ سال آینده) جهت تحقق اهداف کلی نظامی، به فرماندهی کل نیروهای مسلح، ارائه می‌نماید (همان: ۷۷).



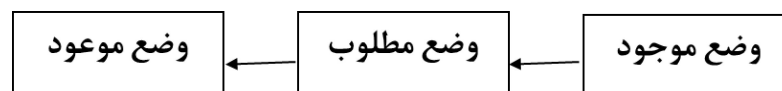
شکل شماره ۲- فرآیند طرح‌ریزی استراتژیک در سطح نیروهای دفاعی (نظامی)

۱۱-۱۲. گام دوازدهم - برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی

برنامه ها، مجموعه هایی از هدف ها، خط مشی ها، روش های انجام کار، دستور ها، کار های ویژه، گام هایی که باید برداشته شود، منابعی که باید به کار بسته شود، و دیگر عناصر لازم برای اجرای یک کنش شناخته شده و معلوم هستند. برنامه، به گونه معمول و با بودجه و اعتبار، پشتیبانی می شوند.

برنامه ریزی عبارتست از: برآورد احتیاجات آینده و تعیین منابع برای تأمین آن احتیاجات. به عبارتی دیگر، برنامه - ریزی، تصمیم گیری در مورد آنچه که باید انجام گیرد و اینکه چگونه باید انجام گیرد، وصیف می شود.

برنامه ریزی، طی کردن فاصله بین وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب، جهت رسیدن به اهداف سازمان است.



نمودار شماره ۶- رسیدن به وضع مطلوب

بنابراین، گام دوازدهم در فرآیند طرح ریزی راهبردی نظامی، تدوین و تصویب برنامه توسعه نیروهای مسلح (برنامه پنج ساله) و بودجه بندی آن است؛ شورا عالی برنامه ریزی نیروهای مسلح، با دریافت برنامه توسعه نیروها و بررسی و یکپارچه نمودن آن ها، برنامه توسعه نیروهای مسلح (برنامه پنج ساله ن.م) را تهیه و به صورت برنامه های سالانه، به بودجه تبدیل نموده و پس از تصویب فرمانده کل قوا، آن را جهت طرح در مجلس شورای اسلامی، به دولت ارسال و در صورت لزوم، کارشناسان معاونت طرح و برنامه ستاد، برای دفاع از آن در مجلس، حضور می یابند.

نیروی انتظامی، با دریافت راهبرد نظامی، با هماهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، راهبرد نیرویی خود را برای برقراری نظم و امنیت داخلی و حراست از راه ها و مرز های کشور، تهیه و به شوری تدوین راهبرد نظامی، ارسال می کند (آشتیانی، ۱۳۸۸: ۴۰۸).

۱۱-۱۳. گام سیزدهم - مرحله بودجه بندی و اجرای برنامه ها (راهبردها)

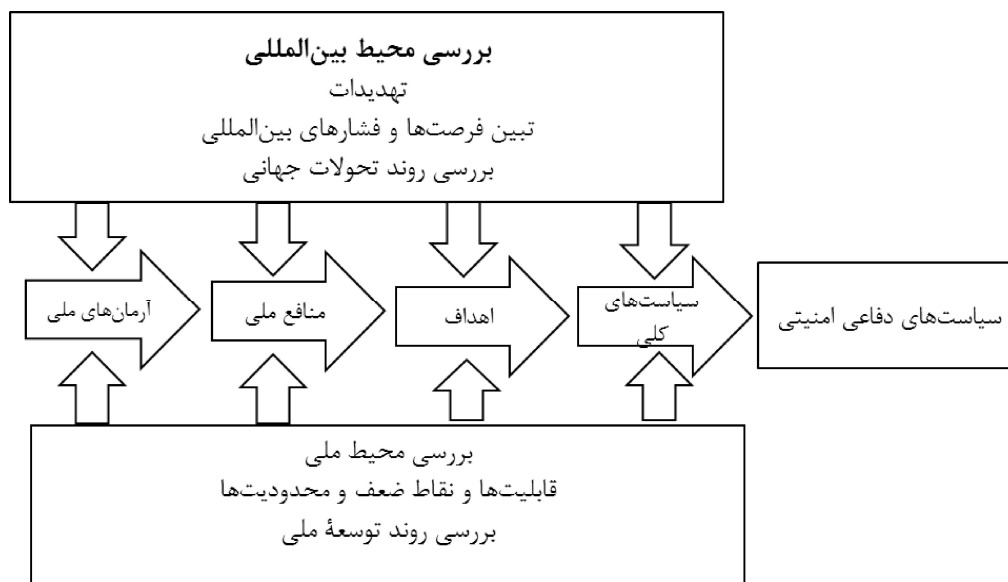
در هنگام تهیه برنامه توسعه نیروها (برنامه پنج ساله) به طور همزمان، بودجه های ارزی و ریالی مورد نیاز هر سال، اجرای برنامه، محاسبه و تحت عنوان بودجه دفاعی کشور، در برنامه بودجه دولت (برنامه مال سالانه) منظور و در مجلس شورای اسلامی، به تصویب می رسد. پس از تصویب بودجه، اعتبارات بخش دفاعی در سر فصل های مربوطه به صورت سال به سال، به نیروهای مسلح، اختصاص داده می شود و ستاد کل نیروهای

مسلح، اعتبارات مصوبه و اختصاص یافته به هر نیرو (بخش‌های مختلف نیروهای مسلح) را از مجرای قانونی خود، واگذار و نیروها نیز برنامه‌ها را از طریق هزینه اعتبارات، به مرحله اجرا در می‌آورند (همان: ۴۱۰).

۱۲. نقش قدرت نظامی و امنیت ملی در طرح‌ریزی برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نیروهای مسلح

بررسی محیط ملی و بین‌المللی، تحت عنوان طرح مطالعات راهبردی، در چارچوب سیاست‌های امنیت ملی (دفاعی-امنیتی) هر کشور، تهیه و تنظیم می‌گردد. هدف از این بررسی، منبع‌یابی، جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مورد نیاز، برای اتخاذ تصمیم، جهت تعیین و گزینش اهدافی است که دستیابی به آن‌ها مستلزم صرف زمانی نسبتاً طولانی است. تجزیه و تحلیل محیط و موضوع برقراری امنیت ملی در کشور و نقش قدرت نظامی در ایجاد، بسط و پایداری امنیت ملی در طول فرآیند طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نظامی، اثرگذار می‌باشد.

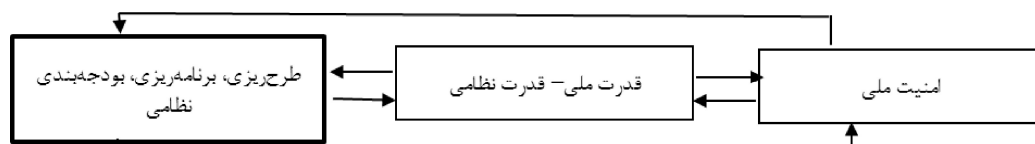
به این ترتیب، مشخص می‌شود که شناخت و تجزیه و تحلیل متغیرهای محیط، اساسی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه مدیران استراتژیک نظامی را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که در شکل زیر دیده می‌شود، تعیین سیاست‌های دفاعی امنیتی، بر مبنای آرمان‌ها و منافع ملی و اهداف، ترسیم می‌گردد و محیط ملی و محیط بین‌المللی، در طول فرآیند، رصد شده و اثرگذار می‌باشد.



شکل شماره ۳- سیاست‌های دفاعی امنیتی

در رسیم سیاست‌های دفاعی امنیتی بر مبنای اهداف، سنجش وضعیت موجود و محیط خارجی، ضرورت دارد. بر این مبنا، در سنجش وضعیت موجود، محیط ملی، قابلیت‌ها، نقاط ضعف و محدودیت‌ها و روند توسعه ملی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سنجش محیط خارجی، محیط بین‌المللی، تهدیدات، فرصت‌ها و فشار ای بین‌المللی و روند تحولات جهانی، بررسی می‌شود.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: راهبرد دفاعی - امنیتی، برای افزایش قدرت و دفاع نظامی و مسلحانه، در هنگام حمله دشمن، تدوین و به مرحله اجرا گذارده می‌شود؛ در لی که بهترین و با صرفه‌ترین دفاع و مؤثرترین راه، برای استمرار منافع ملی و در رأس آن، امنیت ملی، بدون تردید جلوگیری از جنگ و بروز درگیری نظامی، همراه با حفظ ارزش‌های اعتقادی و ملی است که مستلزم داشتن توانایی در همه مؤلفه‌های قدرت ملی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فن‌آورانه، فرا مرزی، جغرافیایی و نظامی) باشد تا بتواند بازدارنده همه‌جانبه در کشور، ایجاد نماید. دستیابی به قدرت ملی و قدرت نظامی از طریق داشتن طرح و برنامه‌های راهبردی صورت می‌پذیرد و برقراری امنیت ملی نیز وابسته به داشتن قدرت ملی می‌باشد؛ لذا می‌توان یک رابطه دوسویه برای طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و قدرت نظامی و از طرفی، رابطه دوسویه بین امنیت ملی و قدرت نظامی، متصور بود. این فرآیند در طول مسیر طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، به صورت مداوم، تأثیرگذار خواهد بود.



نمودار شماره ۷- ارتباط دوسویه طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نظامی، با قدرت نظامی و امنیت ملی

۱۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

طرح راهبردی نظامی، توسط شورای تدوین راهبرد نظامی، در ستاد کل نیروهای مسلح، انجام می‌پذیرد که این طرح، با راهنمایی گرفتن از طرح مطالعات راهبردی، برآورد اطلاعات راهبردی و طرح ارزیابی محیطی، انجام می‌پذیرد. سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، اساساً مبتنی بر «بازدارندگی» است و کشور می‌کوشد تهدیدات نظامی خود را در درجه اول، از طریق گفتگوی سازنده و در مرحله بعد، از طریق ایجاد توازن‌های دفاعی بازدارنده، رفع نماید. به‌طوری که اساساً (ترجیحاً) به برخورد نظامی، منتهی نگردد. برخورداری از قدرت نظامی و امنیت ملی، موجب تحقق ای سیاست می‌گردد، یعنی

داشتن پشتوانه داخلی و برخورداری از قدرت قابل اعتنا، می تواند موجب طرح ریزی نظامی از موضع برتر شده و راه تحصیل منافع ملی را آسان نماید.

مؤثرترین راه، برای ایجاد امنیت ملی و حفظ کشور از تهدیدهای فرارو، استفاده از قدرت نظامی است؛ در واقع، قدرت نظامی، همواره در پشتیبانی از سیاست خارجی و تحقق اهداف ملی و حفظ منافع و امنیت ملی، به کار گرفته می شود. تحقق این امر و انجام مأموریت های نیروهای مسلح، مستلزم اتخاذ تدابیری راهبردی در بخش نظامی و تعیین ساختارهای نیرویی و ترکیبات رزمی مناسب است و بایستی با بهره گیری از یک نظام جامع، طرح ریزی صورت پذیرد.

در مجموع می توان بیان داشت که هدف، مأموریت و علت وجودی نیروهای مسلح، از جمله در جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی، ابتکار عمل، پاسخگویی مؤثر، تأمین امنیت و ایجاد احساس امنیت در جامعه است. این مهم، فقط با تقویت مؤلفه های قدرت ملی و از همه مهم تر، قدرت نظامی از طریق طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی که از شناخت دقیق محیط، تدوین شده باشد، حاصل می گردد.

در این پژوهش، به نقش مؤلفه قدرت نظامی و همچنین امنیت ملی، بر طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی پرداخته شد. پیشنهاد می شود در پژوهش های دیگر، به تأثیر متقابل دیگر مؤلفه های قدرت ملی (قدرت سیاسی، قدرت فرهنگی، قدرت اقتصادی، قدرت فن آوری و...) بر طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نظامی، پرداخته شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ارگانسکی، ای. اف. ک (۱۳۵۵)، *سیاست جهانی*، ترجمه: حسین فرهودی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. بورلاتسکی، فیودور (۱۳۶۰)، *قدرت سیاسی و ماشین دولتی*، ترجمه: احمد رهبر، چاپ اول؛ تهران: انتشارات آموزگار.
۴. بی نام (۱۳۸۲)، «جزوه درسی: طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی نیروهای مسلح، S-COL»؛ تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۵. تهامی، سید مجتبی (۱۳۸۴)، *امنیت ملی، دکترین، سیاست های دفاعی و امنیتی*؛ تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش معاونت فرهنگی (مدیریت انتشارات).
۶. توحیدی، ارسطو (۱۳۸۹)، *طرح ریزی راهبردی، برنامه ریزی و بودجه بندی دفاعی*؛ تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. جمشیدیان (۱۳۹۴)، «جزوه درسی: مبانی امنیت ملی»؛ تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. چگینی، حسن (۱۳۸۴)، *نظام مدیریت راهبردی دفاعی*؛ تهران: انتشارات ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۹. سینی خامنه ای، سید علی، *بیانات مقام معظم رهبری*؛ وبسایت ایشان.
۱۰. دانش آشتیانی، محمد باقر (۱۳۸۸)، *راهبرد دفاعی امنیتی (۲) (اصول و مبانی)*؛ تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۱. دری نوگورانی، حسین (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه بخش دفاع در ارتقای بهره وری ملی»، مقاله در همایش «جهاد اقتصادی با تأکید بر بهره وری ملی»؛ تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۲. راسل، برتراند (۱۳۶۷)، *قدرت*، ترجمه: نجف دریابندری، چاپ دوم؛ تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۳. رستمی، محمود (۱۳۸۶)، *فرهنگ واژه های نظامی*؛ تهران: انتشارات ایران سبز.
۱۴. سنجانی، علیرضا (۱۳۷۵)، *استراتژی و قدرت نظامی*؛ تهران: پاژنگ.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ دوم؛ تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۶. کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۹)، *نقش قدرت در روابط بین الملل*؛ تهران: نشر قومس.